



Analysis of State and Activity Aspect in Kalhori Kurdish (Based on Phasal Approach)

Mehrangiz Baravardeh¹, Habib Gowhary², Tayebeh Khoshbakht³

1. Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Ilam branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran. E-mail: baravarde50@gmail.com
2. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Linguistics, Ilam branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran. E-mail: h_gowhary@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Linguistics, Ilam branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran. E-mail: Khoshbakht_ta@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 03 Jan 2023

Received in revised form:

03 Apr 2023

Accepted: 10 Apr 2023

Available online: 23 Sep 2023

Keywords:

aspect,
Kalhori Kurdish,
time dimension,
qualitative dimension,
Phasal Approach.

Based on the phasal approach of Croft (2012), the present research has analyzed state and activity aspects in Kalhori. According to Croft's (2012) classification of aspect types, there are four types of transitory state, inherent permanent state, acquired permanent state, and point state in Kalhori language. Activity aspects are divided into two types of direct and indirect aspects. The results showed that the common feature of the four state aspects in Kalhori is that their profiled phase is punctual in the qualitative dimension, and the aspects differentiate in the expansion and extent of their profiled phase in the time dimension. The profiled phases of the activities are expanded in both time and quality dimensions, in this sense, they are different from state aspects. In addition, the phasal analysis determined the difference between direct and indirect activity aspects in such a way that in the direct activity aspect there is a continuous change along the quality dimension, but such a situation in the indirect activity aspect is not observed. Finally, it is concluded that phasal analysis can provide an appropriate explanation of the differences and characteristics of lexical aspects, especially two types of state and activity aspects in Kalhori Kurdish.

Cite this article: Baravardeh, M., Gowhary, H., & Khoshbakht, T. (2023). Analysis of state and activity aspect in Kalhori Kurdish (Based on Phasal Approach). *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 11 (3), 1-21.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2023.8651.1676



تحلیل نمود ایستایی و فعالیت در کردی کلهری (براساس رویکرد فازی)

مهرانگیز برآورده^۱، حبیب گوهری^۲، طیبه خوشبخت^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. رایانامه: baravarde50@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. رایانامه: h_gowhary@yahoo.com

۳. استادیار، گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. رایانامه: Khoshbakht_ta@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

پژوهش حاضر برپایه رویکرد فازی کرافت (۲۰۱۲) به واکاوی نمودهای ایستایی و فعالیت در کردی کلهری پرداخته است. باتوجه به طبقه‌بندی کرافت (۲۰۱۲) از انواع نمود، می‌توان چنین مطرح کرد که چهار نمود ایستایی گذرا، ایستایی ناگذرای ذاتی، ایستایی ناگذرای اکتسابی و نمود ایستایی نقطه‌ای نیز در کردی کلهری وجود دارد. همچنین در این زبان نمودهای فعالیت به دو نوع نمود فعالیت مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند. تحلیل داده‌ها نشان داد که وجه مشترک چهار نمود ایستایی در کردی کلهری نقطه‌ای بودن فاز نمایه‌شده آن‌ها در بُعد کیفی است و تفاوت این نمودها در بسط فاز نمایه‌شده آن‌ها در بُعد زمان است. فازهای نمایه‌شده نمودهای فعالیت در دو بُعد زمان و بُعد کیفی گسترش می‌یابد که از این نظر، آن‌ها با نمودهای ایستایی تفاوت دارند. علاوه بر این، تحلیل فازی، تفاوت بین نمودهای فعالیت مستقیم و غیرمستقیم را این‌گونه مشخص کرد که در نمود فعالیت مستقیم یک تغییر مستقیم و پیوسته در امتداد بُعد کیفی وجود دارد؛ اما در نمود فعالیت غیرمستقیم شاهد چنین وضعیتی نیستیم. باتوجه به تحلیل داده‌ها نتیجه گرفته می‌شود که تحلیل فازی می‌تواند تبیین مناسب از تفاوت‌ها و ویژگی‌های مقوله نمود واژگانی به‌ویژه دو نوع نمود ایستا و فعالیت در کردی کلهری به دست دهد.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳ دی ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۱ فروردین ۱۴۰۲

دسترسی برخط: ۱ مهر ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

نمود،

کردی کلهری،

بُعد زمان،

بُعد کیفی،

رویکرد فازی.

استاد: برآورده، مهرانگیز؛ گوهری، حبیب؛ خوشبخت، طیبه (۱۴۰۲). تحلیل نمود ایستایی و فعالیت در کردی کلهری (براساس رویکرد فازی). *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱۱ (۳)، ۱-۲۱.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2023.8651.1676

۱- مقدمه

با وجود اینکه بررسی مقوله نمودار تحلیل‌های معنایی کاری دشوار بوده است، همواره پیشینه‌ای طولانی دارد. برای نخستین بار، ارسطو به مقوله نمود در قالب تفاوت‌هایی بین فعل‌ها اشاره کرد. در تمایز گذاشتن بین فعل‌ها، او چهار وضعیت حالت، رخداد، فرایند و کنش را در نظر گرفت. (ون‌ولین لاپولو^۱، ۱۹۹۷: ۸۳). نمود «روش‌های مختلف برای نگرش به ساختار زمانی درونی یک موقعیت است» (کامری^۲، ۱۹۷۶: ۳). از نظر کرافت^۳ (۲۰۱۲)، تعریف کامری از نمود اساساً درست است؛ اما وقتی به جلوه‌های خاصی از نمود می‌پردازیم، وضعیت پیچیده‌تر می‌شود؛ زیرا نمود هم از نظر دستوری^۴ و هم از نظر واژگانی^۵ تظاهر می‌یابد. به‌باور او، از نظر دستوری، بسیاری از زبان‌ها دارای تمایزات تصریفی هستند که ساختار درونی زمان یک موقعیت را تغییر می‌دهند؛ مانند تمایز بین حال استمراری و حال ساده در انگلیسی یا تمایز بین کامل^۶ و ناقص^۷ در زبان روسی.

درواقع، هستی‌شناختی مقوله نمود صرفاً در سطح تحلیل واژگانی، امری محدود می‌نماید؛ زیرا نمود تنها محصولی در سطح واژگان نیست، بلکه حاصل فرایند ترکیب و محاسبات دستوری است (دی سوارت و ورکیول^۸، ۱۹۹۹؛ ورکیول، ۱۹۹۳). به‌این دلیل، اسمیت^۹ (۱۹۹۷) در تبیین نموده‌های موقعیتی از سطح فعل فراتر می‌رود و می‌کوشد ماهیت نهایی نمود هر فعل را برپایه محاسبات نحوی در جمله تحلیل و مشخص کند.

کرافت (۲۰۱۲) تعریف نمود دستوری را بسیار دشوار می‌داند. یکی از دلایل این امر آن است که خوانش معنایی مقولات نمود دستوری اغلب با طبقه محمول‌هایی (فعل‌ها، صفت‌ها و اسم‌های محمول)^{۱۰} که با آن‌ها ترکیب می‌شوند، متفاوت است. این تنوع عموماً به تفاوت در نمود واژگانی طبقات مختلف محمول نسبت داده می‌شود. نمود واژگانی معمولاً به‌منزله ساختار زمانی ذاتی یک موقعیت در نظر گرفته می‌شود، موقعیت‌هایی مانند «لهستانی‌بودن» حالت‌های «طبیعی پایدار»

1. R. Vanvalin & R. Lapolla

2. B. Comrie

3. W. Croft

4. grammatical

5. lexical

6. perfective

7. imperfective

8. H. De Swart & H. Verkuyl

9. C. Smith

10. verbs and predicate adjectives and nominals

هستند؛ درحالی که برخی دیگر مانند «شکستن پنجره»، فرایندهای «طبیعی لحظه‌ای» به شمار می‌روند.

کرافت (۲۰۱۲) معتقد است اغلب تحلیل‌های معنایی نمود واژگانی، طبقه‌بندی است که درنهایت، به ارسطو نسبت داده می‌شود؛ اما معمولاً قالب آن‌ها شبیه تحلیل‌هایی نمودی است که وندلر^۱ (۱۹۶۷) ارائه کرده است. وندلر (۱۹۶۷) چهار دسته از نمودهای واژگانی ایستا^۲، فعالیت/کنشی^۳، حصولی^۴ و تحقیقی^۵ را از یکدیگر متمایز می‌کند. کرافت (۲۰۱۲) معتقد است که طبقه‌بندی وندلر (۱۹۶۷) دستخوش تغییرات زیادی شده است. برخی از تعابیر جایگزین، نمودهای جدیدی را ایجاد کرده‌اند؛ مانند نمودهای حصولی چرخه‌ای^۶ و نمودهای تحقیقی غیرمستقیم^۷.

کرافت (۲۰۱۲) بیان می‌کند این افزوده‌ها، تغییرات و اصلاحات در طبقه‌بندی نمودی وندلر (۱۹۶۷) به تکثیر اصطلاحات مختلف منجر شده است که توسعه یک طبقه‌بندی جامع از انواع نمود را دشوار می‌کند. اگر انواع مختلف مفاهیم نمودی را که برای توصیف نمودی محمول‌ها ارائه شده‌اند، گرد هم بیاوریم، بازبینی‌ها و بسط‌های زیر را برای طبقه‌بندی ارسطو/وندلر خواهیم داشت (کرافت، ۲۰۱۲: ۴۴-۴۵):

۱. چهار نوع ایستایی: ایستایی‌های ذاتی^۸، ایستایی‌های اکتسابی^۹، ایستایی‌های گذرا^{۱۰} و ایستایی‌های نقطه‌ای^{۱۱}. ایستایی‌های نقطه‌ای را می‌توان به منزله یک نوع فرعی از ایستایی‌های گذرا در نظر گرفت؛
۲. دو نوع فعالیت: فعالیت مستقیم^{۱۲} و فعالیت غیرمستقیم^{۱۳}؛
۳. دو نوع حصولی: حصولی‌های برگشت‌پذیر و حصولی‌های برگشت‌ناپذیر؛
۴. تحقیقی؛

-
1. Z. Vendler
 2. state
 3. activity
 4. achievement
 5. accomplishment
 6. cyclic achievements
 7. undirected accomplishments
 8. inherent
 9. acquired
 10. transitory
 11. point
 12. directed
 13. undirected

۵. تحقیقی‌های چرخه‌ای^۱ (نیمه‌فعال)؛

۶. تحقیقی‌های پیش‌رونده^۲: نه مانند سایر تحقیقی‌ها نقطه‌ای^۳ هستند، نه مانند تحقیقی‌های وندلر افزایشی/تدریجی هستند^۴.

از نظر کرافت (۲۰۱۲)، این طبقه‌بندی نظام‌مند^۵ نیست؛ یعنی مشخص نیست که چرا این نوع نمودها در طبقه‌بندی وجود دارند. همچنین مشخص نیست که آیا این طبقه‌بندی جامع است یا اینکه انواع نمودهای دیگری وجود دارد که در پیشینه^۶ مربوط به نمود مشاهده و گنجانده نشده است. به دلایلی که کرافت بیان می‌کند، او تحلیلی از نمود واژگانی ارائه می‌دهد که چارچوبی منسجم برای انواع نمود ارائه می‌نماید. به باور کرافت، در این تحلیل می‌توان انواع نمود احتمالی از طبقه‌بندی وندلر (۱۹۶۷) را گسترش داد؛ اما انواعی که قبلاً در پیشینه^۷ مربوط به نمود مشاهده شده‌اند، کم‌وبیش طیف کاملی از اساسی‌ترین انواع نمود را تشکیل می‌دهند. کرافت نمود را براساس فاز^۸ بررسی می‌کند. در بررسی نمود واژگانی، او نشان می‌دهد که فازهای نمودی نه تنها شامل یک بُعد زمان^۹، بلکه شامل توالی حالت‌های کیفی^{۱۰} هستند. رویکرد دو بُعدی او به نمود واژگانی نشان می‌دهد که چگونه رویدادها در طول زمان آشکار می‌شوند^{۱۱}.

در زبان کردی، پیرامون مقوله نمود پژوهش‌هایی انجام شده است؛ با این حال، پژوهش‌های پیشین درباره مقوله نمود در زبان کردی خالی از اشکال نیست. در برخی از این پژوهش‌ها مانند ویسی حصار (۱۳۹۴) و عبداللهی‌پور (۱۳۹۵) مقوله نمود و زمان به صورتی روشن از هم تفکیک نشده‌اند. همچنین برخی پژوهش‌ها مانند عباسی و نجفیان (۱۳۹۵) و میرزابیگی و دیگران (۱۴۰۰) مقوله نمود، زمان و وجه را یک نظام کاملاً یکپارچه و جدایی‌ناپذیر در نظر گرفته‌اند. برخی دیگر از پژوهشگران مانند دانش‌پژوه و دیگران (۱۳۹۲)، ناصری (۱۳۹۵، ۱۳۹۷) و ویسی حصار (۱۳۹۶) از رویکردهای بسیار قدیمی برای تقسیم‌بندی و تبیین مقوله نمود استفاده کرده‌اند. عبداللهی‌پور (۱۳۹۵) و تابعی،

1. cyclic
2. runup or progressive
3. punctual
4. incremental
5. systematic
6. phase
7. time dimension
8. sequence of qualitative states
9. unfold

تفکری رضایی و قیطوری (۱۴۰۰) از رویکرد کمینه‌گرا برای بررسی مقوله نمود استفاده کرده‌اند که در این پژوهش‌ها نیز بُعد معنایی تحلیل نمودی بسیار کم‌رنگ است.

باتوجه به مشکلاتی که کرافت (۲۰۱۲) برای طبقه‌بندی انواع نمود در پیشینه مطالعاتی آن ذکر می‌کند، به نظر می‌رسد تحلیل و بازنمایی دو بُعدی فازی که توسط کرافت (۲۰۱۲) ارائه شده است، می‌تواند تفاوت انواع نمود واژگانی و ویژگی‌های معنایی آن‌ها را در زبان کردی کلهری به‌خوبی مشخص کند. به‌عنوان نمونه، نمود ایستایی خود دارای انواعی است که تفاوت قائل شدن بین آن‌ها گاه دشواری‌هایی به‌همراه دارد. ازجمله این دشواری‌ها می‌توان به تفاوت بین نمود ایستایی گذرا در مقابل نمود ایستایی ناگذرا/ثابت^۱، نمودهای ایستایی ذاتی و اکتسابی، و نمود فعالیت مستقیم در مقابل نمود فعالیت غیرمستقیم اشاره کرد. در این زمینه، در پژوهش حاضر برآن هستیم تا با استفاده از تحلیل فازی کرافت (۲۰۱۲) دو نوع نمود ایستایی و نمود فعالیت را واکاوی کنیم. در واقع، در این پژوهش به دنبال روشن ساختن این مسئله هستیم که آیا رویکرد مذکور می‌تواند تبیین مناسب از تفاوت‌ها و ویژگی‌های مقوله نمود واژگانی به‌ویژه دو نوع نمود ایستایی و فعالیت در زبان کردی کلهری به دست دهد یا خیر؟ در ضمن، در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها از شمّ زبانی کردی کلهری منطقه اسلام آباد غرب استفاده شده است.

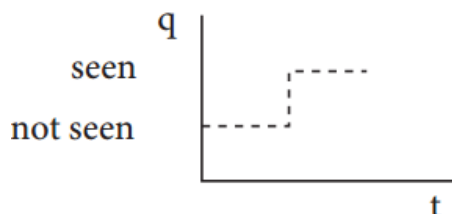
۲- رویکرد فازی کرافت (۲۰۱۲)

کرافت (۲۰۱۲) بیان می‌کند تحلیل او از فاز در نمود واژگانی نشان می‌دهد که فازهای نمودی نه تنها شامل بُعد کیفی، بلکه شامل یک بُعد زمانی هستند. تحلیل فازی نشان می‌دهد که باید در تحلیل نمود یک بُعد زمانی وجود داشته باشد. اگرچه بیشتر تحلیل‌های فازی مقیاس زمانی را نشان نمی‌دهند، در عوض، در این تحلیل‌ها یک توالی منظم زمانی از فازها وجود دارد که خود به‌عنوان عناصر اولیه تجزیه‌ناپذیر^۲ بازنمایی معنایی^۳ در نظر گرفته می‌شوند. استفاده کرافت (۲۰۱۲) از یک بُعد زمانی در بازنمایی معنایی شبیه به قراردادن یک نمایه زمانی اجباری برای فعل‌ها در دستور زبان‌شناختی لانگاکر (۱۹۸۷، ۲۰۰۸) است.

کرافت (۲۰۱۲) بُعد کیفی را با واژه «آشکارشدن»^۴ توضیح می‌دهد. آشکارشدن رویدادها شامل

1. permanent
2. atomic primitives
3. semantic representation
4. unfolding

توالی از حالت‌های کیفی است که یک نوع رویداد خاص را مشخص می‌کند. در واقع، بُعد کیفی برای بازنمایی نمود واژگانی، مجموعه‌ای از حالت‌های کیفی رویداد در حال آشکارشدن است. بنابراین، در این الگو، رویدادها در دو بُعد زمان (t) و حالت‌های کیفی (q) نمایش داده می‌شوند. کرافت ابعاد اصلی نمود رویداد «دیدن» را به صورت الگوی زیر ارائه می‌کند.



نمودار (۱). بازنمایی دو بُعدی نمود در فعل «دیدن» (برگرفته از کرافت، ۲۰۱۲: ۵۳)

در نمودار (۱)، محور X بُعد زمان (t) و محور Y بُعد کیفی (q) است. در این نمودار، بُعد زمان پیوسته است. بسته به اینکه چه حالت‌های کیفی‌ای برای رویداد تعریف شده است، بُعد حالت کیفی ممکن است پیوسته یا گسسته باشد و این خود به این بستگی دارد که عنصر واژگانی چطور رویداد را تفسیر می‌کند. برای مثال، رویداد «دیدن» تنها دو حالت تعریف شده دارد: چیزی را «ندیدن» و چیزی را «دیدن». بنابراین، بُعد حالت کیفی (q) برای رویداد «دیدن» در واقع فقط از دو نقطه تشکیل شده است. برای راحتی بصری، این دو حالت روی بُعد کیفی دورازهم قرار گرفته‌اند. بُعد کیفی، بازنمایی از آن چیزی است که ممکن است خصوصیات عینی، خاص یا ویژه معنای یک محمول در نظر گرفته شود (لوین و راپاپورت هوواو^۱، ۲۰۰۵: ۷۱). این ویژگی‌ها همان چیزی است که لوین و هوواو آن را ثابت واژگانی یا ریشه^۲ می‌نامند. کرافت (۲۰۱۲) اشاره می‌کند در بازنمایی‌هایی که لوین و راپاپورت هوواو (۲۰۰۵) و پژوهشگران دیگر ارائه کرده‌اند، ریشه به منزله عناصر اولیه معنایی در نظر گرفته می‌شوند. بُعد کیفی، ریشه واژگانی را به عنوان یک ساختار معنایی پیچیده نشان می‌دهد که از حالت‌های متعدد تشکیل شده است؛ از این رو، یک روش را برای تجزیه و تحلیل ریشه واژگانی ارائه می‌دهد.

در نمودار (۱)، منحنی نقطه‌دار نحوه آشکارشدن رویداد دیدن در طول زمان است. دیدن چیزی، یک حالت گذرا است؛ یعنی شخص شروع به دیدن یا ندیدن یک شیء خاص در برشی از زمان می‌کند. بنابراین، دیدن یک شیء خاص یک حالت دائمی نیست. در این تحلیل، رویداد دیدن حداقل سه فاز

1. B. Levin & M. Rappaport Hovav
2. lexical constant or root

دارد: فاز ندیدن چیزی، فاز گذار از ندیدن چیزی به دیدن آن و فاز دیدن آن چیز. فاز انتقال^۱ از نظر مفهومی، به منزله یک پرش آنی از یک حالت به حالت دیگر تعبیر می‌شود. همان‌طور که تنها دو نقطه در بُعد کیفی برای دیدن تعریف شده است، انتقال در واقع یک جهش کمی^۲ از حالت ندیدن به حالت دیدن است و هیچ حالت میانی توسط شرکت‌کننده در رویداد اشغال نشده است. با این حال، برای راحتی بصری، انتقال با یک خط عمودی در نمایش هندسی نشان داده شده است.

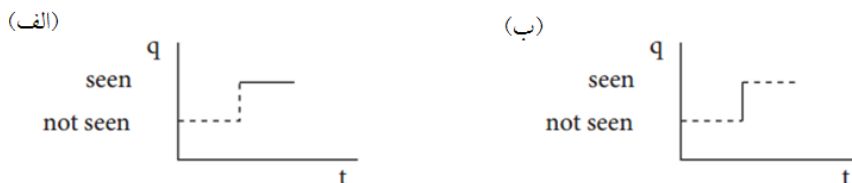
فعل انگلیسی «see» دارای یک حالت آغازی/ابتدایی^۳ است؛ یعنی به راحتی اجازه می‌دهد که یک حالت گذرا و نمود حصولی از محمول بدون هیچ‌گونه اشتقاق صرفی وجود داشته باشد. این تعابیر متناوب در مثال‌های (۱) و (۲)، نشان داده شده‌اند.

1. I see Mount Tamalpais.

2. I reached the crest of the hill and saw Mount Tamalpais.

(کرافت، ۲۰۱۲: ۵۴)

تعابیر متناوب فعل «see» حاصل ترکیب این فعل با دو ساختار زمان-وجهی مختلف زبان انگلیسی، یعنی حال ساده در مثال (۱) و گذشته ساده در مثال (۲) است. ساختارهای دو بُعدی برای مثال‌های (۱) و (۲) به ترتیب در نمودارهای زیر نشان داده شده است.



نمودارهای (۲). بازنمایی دو بُعدی فعل «see» (برگرفته از کرافت، ۲۰۱۲: ۵۵)

در نمودار (الف) خط ممتد تفسیر/مفهوم حالت گذرا را (برای فاز حالت حاصل از دیدن) نشان می‌دهد. جمله (۱) به آن فاز اشاره می‌کند و نه به فازهای دیگر. جمله (۱) فازهای دیگر را پیش فرض می‌گیرد که این بخشی از دانش مفهومی^۴ ما از دیدن است (دیدن یک شیء خاص چیزی است که می‌آید و می‌رود). بنابراین، نمودار (الف) یک بازنمایی چارچوب-معنایی^۵ از معنای جمله (۱) است.

1. transition
2. quantum jump
3. inceptive
4. conceptual knowledge
5. frame-semantic

فاز حالت نتیجه^۱ همان چیزی است که با ساخت فعل + حال ساده نشان داده می‌شود یا نمایه می‌شود. فازهای پیشین (و البته نقاط تعریف‌شده در بُدهای t و q) توسط جمله (۱) پیش‌فرض می‌شوند؛ بنابراین، این پیش‌فرض‌ها بخشی از چارچوب معنایی برای دیدن هستند. از این‌رو، بازنمایی منحنی نمودی برای دیدن در نمودار (۲ الف) به‌سادگی چارچوب معنایی یا به‌طور دقیق‌تر، بخشی از چارچوب معنایی مربوط به رفتار نمودی فعل «see» است. نمودار (۲ الف) یک مفهوم را در آن چارچوب معنایی نمایه می‌کند؛ برای مثال، نمود ایستایی گذرا حاصل از رویداد دیدن.

نمودار (۲ ب)، تفسیر حصولی را نشان می‌دهد که در جمله (۲) نشان داده شده است. در واقع، یک جهش کمی از یک نقطه نمایه‌شده در انتهای فاز حالت «دیده‌نشده» به یک نقطه نمایه‌شده در ابتدای فاز حالت «دیده‌شده» است. جمله (۲) دارای چارچوب معنایی مشابه با جمله (۱) است؛ اما فاز متفاوتی با استفاده از گذشته ساده در نمودار (۲ ب) نمایان می‌شود. شباهت‌های معنایی بین معانی دو جمله از طریق شباهت چارچوب‌های معنایی دو جمله به دست می‌آید و تفاوت معنایی آن‌ها با تفاوت در مفهوم نمایه‌شده در چارچوب معنایی حاصل می‌شود.

۳- تحلیل داده‌ها

۳-۱ نمودهای ایستایی

نمود ایستایی گذرا در فعل‌هایی مانند «بودن و داشتن» تجلی می‌یابد که نشان‌دهنده حالتی برای جاندار و غیرجاندار است. از این‌رو، در فعل‌ها یا محمول‌هایی که این نوع نمود را در خود دارند، ویژگی «تدریجی بودن و استمراری بودن» وجود ندارد. به‌عنوان نمونه، در زبان کردی کله‌ری جملات زیر زمانی که فعل آن‌ها با قیده‌های «به تدریج و در حال/ دارد» به کار می‌روند، از نظر معنایی دچار مشکل می‌شوند.

3. a) gəlarə xwəʃalæ.

گلاره خوشحال است

گلاره خوشحال است.

b) * gəlarə kəmkəm xwəʃalæ.

گلاره خوشحال است به تدریج

* گلاره به تدریج خوشحال است.

c) * gəlarə dəɾə xwəʃalæ.

گلاره خوشحال است در حال

* گلاره در حال خوشحال است.

4. a) $gəlaræ \quad maləm \quad ægə \quad dʊs \quad dɪrəd.$

گلاره معلم را ش دوست دارد

گلاره معلمش را دوست دارد.

b) * $gəlaræ \quad kəəm \quad kəəm \quad maləm \quad ægə \quad dʊs \quad dɪrəd.$

گلاره به تدریج معلم را ش دوست دارد

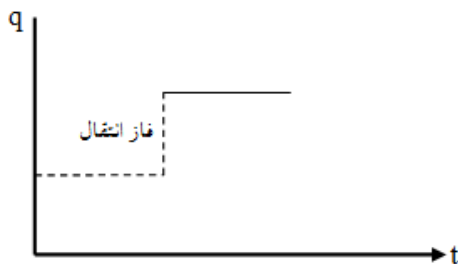
* گلاره به تدریج معلمش را دوست دارد.

c) * $gəlaræ \quad dərə \quad maləm \quad ægə \quad dʊs \quad dɪrəd.$

گلاره در حال معلم را ش دوست دارد

* گلاره در حال معلمش را دوست دارد.

طبق رویکرد فازی کرافت (۲۰۱۲)، در نمود ایستایی گذرا تقریباً همیشه دو فاز برای دو حالت و یک فاز برای انتقال از فاز اول برای رسیدن به فاز دیگر باید در نظر گرفته شود. برای مثال، در جمله (۳)، حالت «خوشحال بودن» در مقابل حالت «غیرخوشحال بودن» قرار می‌گیرد و برای انتقال از فاز «غیرخوشحال بودن» و رفتن به فاز «خوشحال بودن» یک فاز انتقال وجود دارد. در واقع، در جمله (۳)، حالت «ندا» از «غیرخوشحال بودن» به حالت «خوشحال بودن» تغییر کرده است. در تحلیل فازی کرافت (۲۰۱۲) به خوبی می‌توان این ویژگی نمود ایستایی گذرا را در بُعد کیفی (q) و روی بُعد زمان (t) مشخص کرد.



نمودار (۳). بازنمایی فازی نمود ایستایی گذرا در زبان کردی کلهری

همان گونه که در بازنمایی (۳) مشخص است، در نمود ایستایی گذرا مربوط به جمله (۳)، فاز اول مربوط به حالت «غیرخوشحال بودن» است که به صورت خط نقطه‌چین ترسیم شده است و تا مقطعی در بُعد زمان این حالت ادامه دارد. سپس فاز دوم یعنی فاز انتقال که به صورت یک خط عمودی نقطه‌چین ترسیم شده است، انتقال از فاز یک به فاز سوم را امکان‌پذیر می‌کند. فاز سوم در واقع فاز نمایه یعنی

حالت «خوشحال بودن» است که به صورت یک خط ممتد ترسیم شده است. حالت «خوشحال بودن» یک حالت گذرا است و یک حالت دائمی نیست. یعنی شخص در برشی از زمان دارای یک حالت است. برای همین در بازنمایی (۳)، فاز نمایه «خوشحال بودن» با فلش ترسیم نشده است که این خود گذرابودن این فاز را نشان می‌دهد. علاوه بر این، نمودهای ایستایی گذرا دارای یک آغاز هستند که با فاز سوم شروع می‌شود و برخی اوقات یک پایان دارند که با پایان حالت گذرا قبل از پایان در بُعد زمان نشان داده می‌شود. همان گونه که در بازنمایی (۳) قابل مشاهده است؛ چون نمود ایستایی گذرا رویداد یا کنشی نیست که پایانی در آن مشاهده شود، این نوع نمود در زبان کردی کله‌ری نهایت پذیر نیست. نمود ایستایی ناگذرا بر اساس رویکرد کرافت (۲۰۱۲) به دو نوع نمود ناگذرای ذاتی و نمود ناگذرای اکتسابی تقسیم می‌شود که در زبان کردی کله‌ری مشهود است. نمونه‌های (۵) و (۶) جملاتی با نمود ناگذرای ذاتی در زبان کردی کله‌ری هستند. نمود ناگذرای ذاتی به دلیل اینکه صرفاً یک حالت را نشان می‌دهند، بیانگر انجام عملی نیستند و همانند نمود گذرا نمی‌تواند ویژگی‌های «تدریجی بودن و استمراری بودن» داشته باشد.

5. a) gəlaræ kwərdæ.

گلاره کرد است

گلاره کرد است.

b) gəlaræ kəm kəm kwərdæ.

گلاره به تدریج کرد است

* گلاره به تدریج کرد است.

c) gəlaræ dərə kwərdæ.

گلاره در حال کرد است

* گلاره در حال کرد است.

6. a) Zerw yə sɪrəgæ .

زمین یک سیاره است

زمین یک سیاره است.

b) *Zerw kəm kəm yə sɪrəgæ.

زمین به تدریج یک سیاره است

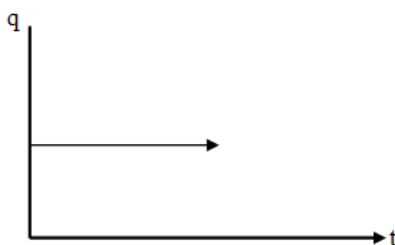
* زمین به تدریج یک سیاره است.

c) *Zerw dərə yə siarəgæ

سیاره است یک در حال زمین

*زمین در حال یک سیاره است.

همان‌طور که از معنای جمله‌های بالا در زبان کردی کلهری برمی‌آید، نمود ناگذرای ذاتی در طول عمر ماهیت جاندار یا بی‌جان ثابت است و شرایط صدق آن همیشه در تمام طول عمر آن ماهیت صادق است. براساس رویکرد فازی کرافت (۲۰۱۲)، می‌توان بازنمایی (۴) را برای تحلیل نمود ناگذرای ذاتی در زبان کردی کلهری در نظر گرفت.



نمودار (۴). بازنمایی فازی نمود ایستایی ناگذرای ذاتی در زبان کردی کلهری

بازنمایی (۴)، ثابت بودن یک حالت را در نمود ناگذرای ذاتی نشان می‌دهد. نمود ایستایی ناگذرای ذاتی با فاز نمایه‌ای نشان داده می‌شود که انتهای آن یک فلش قرار دارد. این فلش مشخص می‌کند تا زمانی که خط زمانی ادامه می‌یابد، فاز نمایه‌شده نیز ادامه دارد. همان‌گونه که در بازنمایی فوق مشخص است، نمود ایستایی ناگذرای ذاتی فاقد فاز انتقال است. همچنین این نوع نمود دارای نقطه پایانی نیست. از آنجاکه برای نمود ایستایی ناگذرای ذاتی پایانی نمی‌توان متصور شد، این نوع نمود در زبان کردی کلهری نهایت‌پذیر نیست.

در زبان کردی کلهری، همانند نمود گذرا و نمود ناگذرای ذاتی، نمود ناگذرای اکتسابی نیز به دلیل نشان‌دادن حالت یک ماهیت نمی‌تواند ویژگی‌های «تدریجی بودن و استمراری بودن» داشته باشد. مانند نمونه‌هایی از نمود کامل که در زیر آمده است.

7. a) Lɪwan ʃəkjajæ.

شکسته است لیوان

لیوان شکسته است.

b) *Lɪwan kæm kæm ʃəkjajæ.

شکسته است به تدریج لیوان

*لیوان به تدریج شکسته است.

c) *Lɪwan dərə ʃəkjəyæ.

شکسته است در حال لیوان

*لیوان در حال شکسته است.

8. a) gəlaræ kətaw dɪrəd.

دارد کتاب گلاره

گلاره کتاب دارد.

b) *gəlaræ kəm kəm kətaw dɪrəd.

دارد کتاب به تدریج گلاره

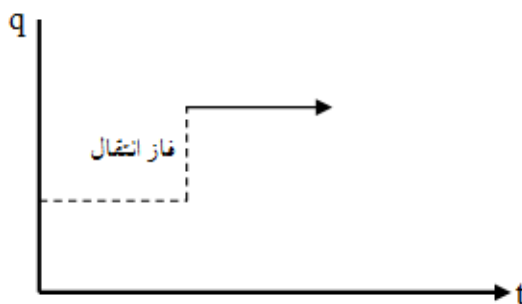
* گلاره به تدریج کتاب دارد.

c) *gəlaræ dərə kətaw dɪrəd.

دارد کتاب در حال گلاره

* گلاره در حال کتاب دارد.

برخلاف نمود ایستایی ذاتی، شرایط صدق حالت ماهیت جاندار یا بی جان در نمود ایستایی اکتسابی برای تمام طول عمر آن ماهیت صادق نیست. در واقع، در این نوع نمود، شرایط صدق تنها برای تمام طول عمر پس از کسب آن حالت صادق است. از این رو، همانند نمود ایستایی ذاتی، نمود ایستایی اکتسابی نیز با فازی نشان داده می‌شوند که در انتهای آن یک فلش قرار دارد. این به آن معناست که تا زمانی که بعد زمان ادامه می‌یابد، فاز نمایه شده نیز ادامه دارد. نکته دیگری که می‌توان در مورد این نمود بیان کرد، این است که نمود ایستایی اکتسابی دارای سه فاز است. فاز اول پیش از حالت دائمی است که ماهیت جاندار یا بی جان آن را کسب می‌کند. در این بین، یک فاز انتقال نیز وجود دارد. بنابراین، در زبان کردی کلهری در نمود ایستایی اکتسابی سه فاز وجود دارد:



نمودار (۵). بازنمایی فازی نمود ایستایی ناگذرای اکتسابی در زبان کردی کلهری

همان گونه که بازنمایی (۵) نشان می دهد، در نمود ناگذرای اکتسابی مربوط به جمله های (۷) و (۸)، فاز اول مربوط به حالتی است که از قبل وجود داشته است و به صورت خط نقطه چین ترسیم شده است و تا مقطع تغییر فاز در بُعد زمان ادامه داشته است. فاز دوم یعنی فاز انتقال شرایط انتقال ماهیت جاندار یا بی جاندار از فاز اول به فاز سوم را نشان می دهد. فاز سوم، حالتی است که ماهیت جاندار یا بی جاندار کسب کرده و تقریباً برای همیشه ثابت خواهد بود؛ به این دلیل، به صورت یک خط ممتد ترسیم شده است. همچنین بازنمایی فوق نشان می دهد، نمود ناگذرای اکتسابی دارای یک آغاز است که با فاز سوم شروع می شود و پس از حالت اکتساب شده، تقریباً هیچ گاه پایانی ندارند. بنابراین، چون نمود ایستایی ناگذرای اکتسابی دارای نقطه پایانی نیست، این نوع نمود در زبان کردی کلهری نهایت پذیر نیست. قبل از پرداختن به نمود ایستایی نقطه ای در زبان کردی کلهری، به تفاوت دیگری بین نمودهای ناگذرای اکتسابی و ذاتی خواهیم پرداخت. در کردی کلهری نمود ناگذرای اکتسابی را می توان با عبارت تداومی (سه روز/به مدت سه روز) به کاربرد؛ اما نمود ناگذرای ذاتی را نمی توان با عبارت تداومی به کار برد؛ مانند نمونه های زیر:

9. * sə ruʒæ kə ɡələræ kwərdæ .

کرد است گلاره که روز است سه

*سه روز است که گلاره کرد است.

10. * sə ruʒæ kə ɣwær nɪwr dɪrəd.

دارد نور خورشید که روز است سه

*سه روز است که خورشید نور دارد.

11. sə ruʒæ kə lɪwanægæ ʃəkjəyæ .

شکسته است لیوان که روز است سه

سه روز است که لیوان شکسته است.

12. sə ruʒæ kə ɡələræ kətaw dɪrəd.

دارد کتاب گلاره که روز است سه

سه روز است که گلاره کتاب دارد.

در مثال های بالا از زبان کردی کلهری می توان ناسازگاری معنایی قید ظرف زمان را در جملات دارای نمود ناگذرای ذاتی مشاهده کرد.

نمود ایستایی نقطه ای، حالتی است که فقط به اندازه یک نقطه در زمان طول می کشد. اما آنچه

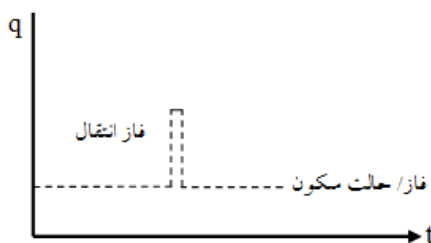
به‌عنوان یک نقطه در زمان در نظر گرفته می‌شود، می‌تواند در بُعد زمان متفاوت باشد. یعنی نقطه زمانی می‌تواند متغیر باشد. برای روشن‌شدن موضوع مثال زیر را از زبان کردی کله‌ری در نظر می‌گیریم.

13. sətə dwanzə ʃæwæ.

ساعت دوازده شب است

ساعت دوازده شب است.

به‌عنوان نمونه، در جمله (۱۳)، بسته به اینکه بخواهیم چقدر دقیق باشیم، نقطه زمانی می‌تواند از یک ساعت (۱۲:۰۰ تا ۱۲:۰۹) تا یک دقیقه (۱۲:۰۰:۰۱ تا ۱۲:۰۰:۰۹) متغیر باشد. اما آنچه مهم است این است که در هر سطح زمانی یعنی ساعت، دقیقه یا حتی ثانیه، زمان به‌عنوان یک نقطه در طول بُعد زمان تعبیر می‌شود. بنابراین، چون نمود ایستایی نقطه‌ای فقط در یک نقطه از زمان جریان دارد، دارای ویژگی بازگشت به حالت اولیه یا سکون است. بازنمایی (۴) برای نمود ایستایی نقطه‌ای در زبان کردی کله‌ری در نظر گرفته شده است:



نمودار (۶). بازنمایی فازی نمود ایستایی نقطه‌ای در زبان کردی کله‌ری

بازنمایی (۶) نشان می‌دهد که نمود ایستایی نقطه‌ای دارای چهار فاز است. فاز اول حالت سکون است که پیش از نقطه زمانی موردنظر قرار دارد. پس‌از آن، یک فاز انتقال وجود دارد که تغییر از حالت سکون به نقطه زمانی را نشان می‌دهد. فاز سوم، نقطه زمانی موردنظر (ساعت ۱۲ شب) است؛ پس‌از آن، فاز چهارم وجود دارد که همان انتقال یا بازگشت از نقطه زمانی مدنظر به فاز اول یا حالت سکون است. بنابر آنچه گفته شد، در زبان کردی کله‌ری در نمود ایستایی نقطه‌ای یک فاز سکون، یک فاز نقطه زمانی و دو فاز انتقال وجود دارد.

۳-۲ نمودهای فعالیت/کنشی

براساس رویکرد کرافت (۲۰۱۲) در زبان کردی کله‌ری دو نوع نمود فعالیت مستقیم و نمود فعالیت غیرمستقیم وجود دارد. در محمول‌هایی که دارای نمود فعالیت هستند، ویژگی «تدریجی بودن» وجود

دارد. از این رو، در زبان کردی کلهری جملات حاوی نمود فعالیت می‌توانند با قید «به تدریج» به کار بروند. همچنین این جملات دارای این نوع نمود با عبارت تداومی «سه روز/به مدت سه روز» و قید ظرف زمان «در عرض دو روز/در طول دو روز» به کار می‌روند. به عنوان نمونه، در جملات (۱۴) و (۱۵) که دارای نمود فعالیت مستقیم هستند، اضافه شدن قید «به تدریج»، عبارت تداومی «سه روز» و قید ظرف زمان «در عرض دو روز» در ساختار معنایی و دستوری آن‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کند.

14. a) hæwa gærməu bɪwæ.

شده است گرم هوا

هوا گرم شده است.

b) hæwa kæmkæm gærməu bɪwæ.

شده است گرم به تدریج هوا

هوا به تدریج گرم شده است.

c) sə ruʒ kə hæwa gærməu bɪwæ.

شده است گرم هوا که روز سه

سه روز که هوا گرم شده است.

d) læ naw du ruʒ hæwa gærməu bɪwæ.

شده است گرم هوا روز دو عرض در

در عرض دو روز هوا گرم شده است.

15. a) ʔu yæχ dayæ\ bæsayæ.

یخزده است آب

آب یخزده است.

b) ʔu kæm kæm yæχ dayæ\ bæsayæ.

یخزده است به تدریج آب

آب به تدریج یخزده است.

c) sə ruʒ kə ʔu yæχ dayæ\ bæsayæ.

یخزده است آب که روز سه

سه روز که آب یخزده است.

d) læ naw du ruʒ ʔu yæχ dayæ\ bæsayæ.

یخزده است آب روز دو عرض در

در عرض دو روز آب یخزده است.

علاوه بر جملات دارای نمود فعالیت مستقیم، جملات حاوی نمود فعالیت غیرمستقیم نیز در زبان

کردی کلهری با عبارت تداومی «سه روز/به مدت سه روز» به کار می‌روند. اما برخلاف جملات دارای نمود فعالیتی مستقیم، جملات حاوی نمود فعالیتی غیرمستقیم در زبان کردی کلهری با قید ظرف زمان «در عرض دو روز/در طول دو روز» و قید «به تدریج» به کار نمی‌روند:

16. a) gəlaræ wælə dusægay gəsia kərd.

گلاره با دوستش صحبت کرد

گلاره با دوستش صحبت کرد.

b) gəlaræ sə ruʒ wælə dusægay gəsia kərd.

گلاره سه روز با دوستش صحبت کرد

گلاره سه روز با دوستش صحبت کرد.

c) *gəlaræ læ naw du ruʒ wælə dusægay gəsia kərd.

گلاره در عرض دو روز با دوستش صحبت کرد

*گلاره در عرض دو روز با دوستش صحبت کرد.

d) *gəlaræ kəm kəm wælə dusægay gəsia kərd.

گلاره به تدریج با دوستش صحبت کرد

*گلاره به تدریج با دوستش صحبت کرد.

17. a) gəlaræ girəs.

گلاره گریه کرد

گلاره گریه کرد.

b) gəlaræ sə ruʒ girəs.

گلاره سه روز گریه کرد

گلاره سه روز گریه کرد.

c) *gəlaræ læ naw du ruʒ girəs.

گلاره در عرض دو روز گریه کرد

*گلاره در عرض دو روز گریه کرد.

d) *gəlaræ kəm kəm girəs.

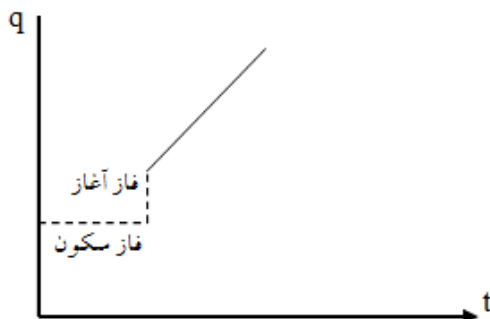
گلاره به تدریج گریه کرد

*گلاره به تدریج گریه کرد.

همان گونه که در مثال‌های مربوط به زبان کردی کلهری مشاهده شد، در نمود فعالیتی مستقیم وجود یک تغییر پیوسته در «گرم شدن هوا و یخ‌زدن آب» وجود دارد که با استفاده از قید ظرف زمان می‌توان

آن را نشان داد. باین حال، در نمود فعالیت غیرمستقیم چنین تغییر پیوسته‌ای وجود ندارد؛ ازین رو، به کاربردن قید ظرف زمان با محمول‌های دارای نمود فعالیت غیرمستقیم به بدساختی این جملات از نظر معنایی منجر می‌شود.

در تحلیل فازی کرافت (۲۰۱۲) تغییر پیوسته (افزایشی) در نمود فعالیت مستقیم را می‌توان روی بُعد کیفی نشان داد. نمودار (۷)، بازنمایی دو بُعدی نمود فعالیت مستقیم در زبان کردی کلهری را نشان می‌دهد.

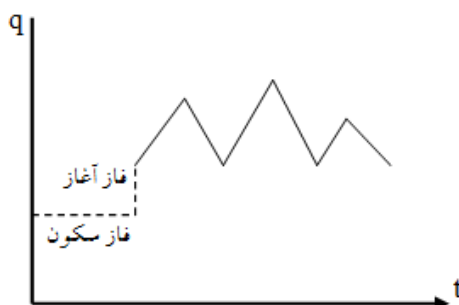


نمودار (۷). بازنمایی فازی نمود فعالیت مستقیم در زبان کردی کلهری

همان گونه که در بازنمایی (۷) قابل مشاهده است، نمود فعالیت مستقیم دارای سه فاز است. فاز اول، فاز سکون است که پیش از شروع فعالیت قرار دارد. فاز دوم، فاز آغاز است که پس از فاز سکون و پیش از فاز فعالیت قرار دارد و در بازنمایی با یک خط عمودی نشان داده شده است. در واقع، فاز سکون و فاز آغاز قبل از فاز فعالیت نمایه شده قرار دارند و توسط آن پیش فرض می‌شوند. فاز سوم، فاز فعالیت یا فاز نمایه است که در امتداد بُعد کیفی و همچنین در بُعد زمان گسترش یافته است. نمود فعالیت مستقیم گذرا است، به این دلیل، دارای فاز یا حالت نتیجه نیست.

در نمود فعالیت غیرمستقیم یک تغییر مستقیم و پیوسته در امتداد بُعد کیفی وجود ندارد. در واقع، نبود همین تغییر پیوسته باعث ایجاد تفاوت بین نمود فعالیت مستقیم و نمود فعالیت غیرمستقیم می‌شود. برای مثال، «گریه کردن» فعالیت است که بدون وقفه روی نمی‌دهد. در حقیقت، این فعالیت در بردارنده انتشار تکراری انواع خاصی از صداهاست. همچنین فعالیتی مانند «صحبت کردن» نیز کنشی است که مستلزم نوبت‌گیری برای حرف زدن است و خود حرف زدن نیز نیازمند مکث مکرر است. ازین رو، فعالیتی مانند «صحبت کردن» بدون وقفه روی نمی‌دهد. براساس تحلیل فازی کرافت (۲۰۱۲)، تغییر غیرپیوسته در نمود فعالیت غیرمستقیم را می‌توان روی بُعد کیفی و در امتداد بُعد زمان نشان داد. نمودار

(۸)، بازنمایی دو بُعدی نمود فعالیت غیرمستقیم در زبان کردی کلهری را نشان می‌دهد.



نمودار (۸). بازنمایی فازی نمود فعالیت مستقیم در زبان کردی کلهری

نمود فعالیت غیرمستقیم را می‌توان به صورت خطوط زیگزاگ در بُعد کیفی نشان داد. همانند نمود فعالیت مستقیم، نمود فعالیت غیرمستقیم نیز دارای سه فاز است. پیش از شروع فعالیت، فاز اول یعنی فاز سکون قرار دارد. فاز دوم، فاز آغاز است که پس از فاز سکون و پیش از فاز فعالیت قرار دارد و در بازنمایی با یک خط عمودی نشان داده شده است. فاز سوم، فاز فعالیت یا فاز نمایه است که در حالتی چرخه‌ای و به صورت محدود در بُعد کیفی و به صورت گسترده در امتداد بُعد زمان بسط یافته است. به‌طور کلی، حالت‌های تعریف‌شده در بُعد کیفی برای نمود فعالیت غیرمستقیم را نمی‌توان به‌گونه‌ای تنظیم کرد که یک تغییر تدریجی مستقیم در طول زمان رویداد وجود داشته باشد. بنابراین، نمایش دقیق‌تر نمود فعالیت غیرمستقیم در هر مورد خاص شامل انتقال از یک نقطه به نقطه دیگر در بُعد کیفی است و این انتقال‌ها لزوماً یکسان نیستند. به این دلیل، شکل خطوط زیگزاگ هم نمی‌تواند همیشه به صورت متناوب یکسان تکرار شود. همچنین انتقال از یک نقطه به نقطه دیگر در بُعد کیفی، بدون پیشرفت تدریجی به سمت یک حالت نتیجه (در صورت وجود) در این بُعد صورت نمی‌گیرد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در بخش تحلیل داده‌ها مشخص شد، در تحلیل نمود واژگانی برپایه رویکرد فازی سه مفهوم بنیادی یعنی مفهوم فاز زمانی، الگوسازی صریح بُعد کیفی که نمایانگر آشکارشدن رویداد در طول زمان است، و افزودن یک چارچوب معنایی به بازنمایی مفهومی انواع نمود مدنظر قرار گرفت. برای واکاوی ویژگی‌ها و تفاوت‌های انواع نمود ایستایی و نمودهای فعالیت مشخص شد که با استفاده از این سه مفهوم بنیادی در چارچوب تحلیل فازی و دو بُعدی ارائه‌شده توسط کرافت (۲۰۱۲)، می‌توان به یک تحلیل مناسب از مقوله نمود دست یافت. در این زمینه، برپایه این نوع تحلیل نشان داده شد که

وجه مشترک چهار نمود ایستایی در کردی کلهری این است که فاز نمایه شده آن‌ها نقطه‌ای از بُعد کیفی را دربرمی‌گیرد. اما آن چیزی که باعث تفاوت بین این نمودهای ایستایی می‌شود، تفاوت در بسط و گستره فاز نمایه شده آن‌ها در بُعد زمان است. برای مثال، در نمود ایستایی نقطه‌ای فاز نمایه شده به اندازه یک نقطه روی بُعد زمانی گسترش می‌یابد؛ اما در نمود ایستایی ناگذرا بسط فاز نمایه شده روی بُعد زمانی بسیار گسترده‌تر است. تفاوت بین نمودهای ایستایی گذار و ناگذر در تحلیل فازی به این صورت مشخص شد که در بُعد زمان، نمودهای ناگذر در امتداد این بُعد گسترش می‌یابند؛ اما نمودهای گذرا صرفاً برشی از بُعد زمان را دربرمی‌گیرند.

در نمودهای ایستایی اکتسابی و ذاتی نیز وجود یک فاز انتقال در بُعد کیفی تفاوت آن‌ها را نشان می‌داد. همچنین مشخص شد که نمودهای فعالیت، فاز یا حالت سکون خود را نمایه نمی‌کنند و هیچ حالت نتیجه‌ای برای آن‌ها در بُعد کیفی تعریف نمی‌شود. با وجود نهایت ناپذیر بودن نمودهای فعالیت، آن‌ها را نمی‌توان نمودهایی ایستا تلقی کرد؛ زیرا بیش از یک نقطه در بُعد کیفی دارند که براساس آن به صورت متمایز از نمودهای ایستایی تعریف می‌شوند. به بیان دیگر، می‌توان گفت که هر دو نمود فعالیت مستقیم و غیرمستقیم فرایندهایی تداومی هستند و فازهای نمایه شده آن‌ها در هر دو بُعد زمان و بُعد کیفی گسترش یافته است. از این نظر، آن‌ها با نمودهای ایستایی که در بُعد کیفی نقطه‌ای هستند، تفاوت دارند. به علاوه، تحلیل فازی، تفاوت بین نمودهای فعالیت مستقیم و غیرمستقیم را به روشنی در بُعد کیفی و در امتداد بُعد زمان نشان داد؛ به طوری که در نمود فعالیت مستقیم یک تغییر مستقیم و پیوسته در امتداد بُعد کیفی وجود دارد؛ اما در نمود فعالیت غیرمستقیم چنین وضعیتی وجود ندارد.

در مجموع، می‌توان گفت براساس تحلیل فازی کرافت از نمود، برخی از ویژگی‌های انواع نمود که به عنوان ویژگی‌های رویدادها در فواصل زمانی در نظر گرفته می‌شوند، به عنوان ویژگی‌های این رویدادها با توجه به تغییرات کیفی یا تغییرات زمانی و کیفی نمایان می‌شوند. ساختار رویداد در بُعد کیفی اساساً توصیف کیفی یکپارچه از یک رویداد را در یک گزاره دربرمی‌گیرد و آن را در حالت‌ها و مقیاس‌هایی تحلیل می‌کند که به ما امکان می‌دهد بسیاری از تمایزات معنایی را در بین انواع نمود مشخص نماییم. از این رو، می‌توان گفت که تحلیل فازی می‌تواند تبیینی مناسب از تفاوت‌ها و ویژگی‌های مقوله نمود واژگانی در زبان کردی کلهری ارائه دهد.

منابع

تابعی، رؤیا؛ تفکری رضایی، شجاع؛ قیطوری، عامر (۱۴۰۰). نمود مستمر در کردی سورانی: رویکردی کمینه‌گرا.

مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۹(۲)، ۶۳-۶۳. <https://doi.org/10.22126/jlw.2021.5982.1501>

دانش‌پژوه، فاطمه؛ کریمی‌دوستان، غلامحسین؛ محمدابراهیمی، زینب؛ روشن، بلقیس (۱۳۹۲). ماهیت نمود واژگانی فعل و رابطه آن با تکواژ ستاک‌ساز غیر معلوم - rā در کردی سورانی. *زبان‌شناسی و گویش‌های*

خراسان، ۵(۸)، ۵۳-۸۰. <https://doi.org/10.22067/lj.v5i8.34486>

عباسی، بیستون؛ نجفیان، آرزو (۱۳۹۵). نظام زمان‌وجه نمود در گویش هورامی پاوه. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، ۱(۱)، ۵۷-۷۴.

عبداللهی‌پور، منصوره (۱۳۹۵). بررسی وجه و نمود در زبان کردی کلهری در چارچوب برنامه کمینه‌گرایی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه رازی.

میرزاییگی، مسعود؛ گوهری، حبیب؛ خوشبخت، طیبه؛ عزیزی‌فر، اکبر (۱۴۰۰). زمان‌وجه نمود در گویش کردی خزلی. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۹(۲)، ۱۰۳-۱۲۱. <https://doi.org/10.22126/jlw.2020.4974.1401>

ناصری، فاطمه (۱۳۹۵). نمود در زبان کردی (گویش کلهری). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه کردستان.

ناصری، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی رفتار نمود ناقص در زبان کردی (گویش کلهری). *رنخسار زبان*، ۲(۶-۷)، ۱۴۶-۱۶۴.

ویسی‌حصاری، رحمان (۱۳۹۴). زمان و نمود در کردی موکریانی. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۲(۸)، ۱۰۱-۱۲۴.

ویسی‌حصاری، رحمان (۱۳۹۶). نمود در کردی: از هستی‌شناسی تا دستور. *مجله جستارهای زبانی*، ۸(۳) (پیاپی ۳۸)، ۱۳۵-۱۵۸.

References

- Abbasi, B., & Najafian, A. (2016). The tense-aspect-mood system in Howrami dialect of Paveh. *Journal of Sociolinguistics Payame Noor University*, 1(1), 57-74 (In Persian).
- Abdollahipour, M. (2016). *Investigating the mood and aspect in Kurdish language of Kalthori in the program of minimalism frame*. M.A. Thesis In General Linguistics, Razi University (In Persian).
- Comrie, B. (1976). *Aspect: An introduction to the study of verbal aspect and related problems*. Cambridge: Cambridge university press.
- Croft, W. (2012). *Verbs: Aspect and casual structure*. Oxford: Oxford university press.
- Daneshpazhouh, F., Karimi Doostan, Gh., Mohammadebrahimi, Z., & Rovshan, B. (2014).
- De Swart, H., & Verkuyl, H. (1999). *Tense and aspect in sentence and discourse*. Manuscript.

- Langacker, R. W. (1987). *Foundations of cognitive grammar: Vol. I. Theoretical prerequisites*. Stanford: Stanford University Press.
- Langacker, R. W. (2008). *Cognitive Grammar: a basic introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Levin, B., & Rappaport Hovav, M. (2005). *Argument realization*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mirzabeigi, M., Gowhari, H., Khoshbakht, T., & Azizifar, A. (2020). An investigation into the analyticity/syntheticity of the verbal inflectional categories in Khezeli Kurdish dialect. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 8(30), 91-108 (In Persian). <https://doi.org/10.22126/JLW.2020.3737.1243>
- Nasari, F. (2016). *Aspect in Kurdish language (Kalhori Dialect)*. M.A. Thesis in General Linguistics, Razi University (In Persian).
- Nasari, F. (2019). Investigating the behavior of the imperfect form in the Kurdish language (Kalhari dialect). *Rokhsar zaban*, 2(6-7), 146-164 (In Persian).
- Smith, C. S. (1997). *The parameter of aspect*. Dordrecht: Kluwer.
- Tabei, R., Tafakkori Rezaei, Sh., & Gheitury, A. (2021). Progressive aspect in Sourani Kurdish: A Minimalist Approach. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 9(33), 43-63 (In Persian). <https://doi.org/10.22126/jlw.2021.5982.1501>
- The nature of the lexical aspect of the verb and its relationship with the non-active stem maker morpheme - rā in Surani Kurdish. *Linguistics and dialects of Khorasan*, 5(8), 53-80 (In Persian).
- Vanvalin, R., & Lapolla, R. (1997). *Syntax: Structure, meaning and function*. Cambridge: Cambridge university press.
- Veisi hasar, R. (2015). Tense and aspect in Kurdish. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 2(8), 101-124 (In Persian).
- Veisi hesar, R. (2017). Aspect in Kurdish: From ontology to grammar. *Language Related Research*, 8(3), 135-158 (In Persian).
- Vendler, Z. (1967). *Linguistics in philosophy*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Verkuyl, H. (1993). *A theory of aspectuality: The interaction between temporal and atemproa structure*. New York and Cambridge: Cambridge University Press.

